

راه کارهای آموزش مفهوم مرگ به کودکان باتکیه بر قرآن و روایات اسلامی

maryameashouri@yahoo.com

mahrouzadeh@alzahra.ac.ir

مریم عشوری / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه.)

طیبه ماهروزاده / دانشیار دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه.)

دریافت: ۹۵/۱۱/۲۵ پذیرش: ۹۶/۵/۲۲

چکیده

مرگ رخدادی عظیم در زندگی بشر است و انتقال از سرایی به سرای دیگر است. هرگز این رخداد برای بشر خوشایند نیست، اما با اندک تأمل، سرنوشت عقوم بشر است که باید خود را برای آن آماده ساخت. از این رو، به کارگیری راه کارهای صحیح برای آموزش مفهوم «مرگ» به کودکان، به مثابه گذاشتن سنگ بنای سلامت فرد و اجتماع است. راه کارهای صحیحی که باید مبتنی بر تأمل، متکی بر مبانی فلسفی اسلام و فراخور سن آنها باشند.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در پی آن است تا با استناد به قرآن و منابع دینی و با تکیه بر برهان «خلف»، راه کارهایی مؤثر برای آموزش مفهوم «مرگ» به کودکان ارائه دهد. نتایج مبین آن است که در گام اول، آموزش مفهوم «مرگ» به کودکان، باید مبتنی بر طفره رفتن و اجتناب از بسط مفاهیم مربوط به مرگ باشد، و در گام های بعد، مربی باید از طریق روش هایی مانند «تشبیه» و «مشاهده چرخه حیات و ممات در طبیعت» استفاده کند.

کلیدواژه‌ها: مرگ، راهکار، آموزش، طفره، قصه، تشبیه.

مقدمه

راه کارها و نحوه آشنایی کودکان با این مفهوم اشاره نشده است. در ذیل، به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اشاره می‌گردد:

نثاری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود، با عنوان «آموزش مفهوم مرگ به کودکان بر اساس آموزه‌های اسلامی» به این نتیجه رسیده است که می‌توان مفهوم «مرگ» و تمام مؤلفه‌های آن را در سنین ابتدایی، قبل از رسیدن به دوره عملیات عینی و انتزاعی پیاژه به کودکان آموزش داد. این پژوهش به ارائه راه کارهای قابل حصول برای آموزش مرگ به کودکان براساس آموزه‌های اسلامی اشاره نکرده و مبنای و ادله خود را با تکیه بر اصول روان‌شناسی پیاژه استنتاج کرده است.

اربیچ (۱۹۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم مرگ و خودکشی در کودکان»، که به روش مصاحبه نگاشته شده است، به این نتیجه رسیده که برای درمان خودکشی کودکان، اولین قدم بررسی و تبیین معنای «مرگ» از دیدگاه آنهاست. اعتقاد به اینکه نزد کودکان مرگ تجربه‌ای خوشایند است، می‌تواند تسهیل‌کننده خودکشی در آنها باشد. بنابراین، ترس در کودکان و فقدان واقع‌گرایی معنای «مرگ» در آنها، مانع آسیب رساندن آنها به خود می‌گردد.

کریمی (۱۳۸۲) در پژوهشی، تحول مفهوم «مرگ» را در ۲۹۰ کودک ۴ الی ۱۰ ساله آزمود. وی برای تشخیص این مفهوم، سه مؤلفه «برگشت‌ناپذیری»، «جهان‌شمولی» و «عدم کنش‌وری» را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که با افزایش سن کودکان، درک کامل‌تری از مفهوم «مرگ» حاصل می‌شود و مؤلفه‌های «برگشت‌ناپذیری»، «جهان‌شمولی» و «عدم کنش‌وری» به ترتیب - از سطح ساده به دشوار درک می‌گردند. همچنین این پژوهش نشان داد که مراحل درک کودکان از مؤلفه‌های سه‌گانه مفهوم «مرگ» با مراحل شناختی پیاژه رابطه‌ای مستقیم دارد.

برخی از روان‌شناسان مانند پیاژه بر این عقیده‌اند که کودکان در سنین ۷ تا ۱۱ سالگی، از اشیای عینی استدلال

مرگ یک قانون عمومی بوده و حتمیت و قطعیت آن امری محرز و مشخص است. بی‌شک، نگاه متفاوت هر کسی به مرگ، خالق اهداف و جهت‌گیری‌های متفاوتی در مسیر زندگی اوست. خوف از انقطاع حیات دنیوی و رهایی از تعلقات مادی برای بیشتر انسان‌ها ناگوار است؛ اما این موضوع برای کودکان بسی ناگوارتر است. نتیجه آموزش صحیح موضوعات اساسی زندگی به کودکان، آرامش و سلامت روان آنان در دوران بزرگسالی است؛ دورانی که اگر انسان حقیقت وجود خود را در دنیای خارج از جهان ماده تصور کند به رقت قلبی و آرامش روحی در سراسر مسیر زندگی خود می‌رسد.

قرآن و روایات اسلامی مکرر مرگ را شیوه وصول نفس به استکمال، بلوغ و غایت تعبیر کرده‌اند. صدرالمتألهین معتقد است: «مرگ در این عالم، یک امر طبیعی است؛ زیرا تمام قوا و نفوس همواره در حال استکمال‌اند؛ و چون نفوس در این زمینه به فعلیت رسید الزاماً از نشئه دنیا به آخرت منتقل می‌شود، و این انتقال امری فطری و طبیعی است و به همین سبب، موت بر انسان عارض می‌شود» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ص ۱۰۵-۱۰۸).

مسئله‌ی لازمۀ تصور مفهوم «مرگ»، که موضوعیت آن به غایت رسیدن و بلوغ نفس است، بلوغ و رشد سنی نیز هست. تجربه نشان داده است که تبعات ناصحیح آموزش این مفهوم به کودکان می‌تواند صدمات و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روحی و جسمی برای آنها به وجود آورد. از این رو، آموزش صحیح این‌گونه مفاهیم به کودکان بستری برای سلامت فرد و به تبع آن، جامعه است.

از آنجاکه قرآن و روایات اسلامی مسیر هدایت انسان را به او نشان داده، این پژوهش نیز با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، به برخی از راه کارهایی اشاره کرده است که عمل به آنها می‌تواند انسان را در دستیابی به برترین الگو هدایت کند.

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه تصور و مفهوم «مرگ» در کودکان انجام شده، ولی در هیچ‌یک از این آنها به

برهان خلف

این روش «اثبات غیرمستقیم» نامیده می‌شود، و برای اینکه ثابت کنیم قضیه‌ای درست است، ثابت می‌کنیم که خلاف آن قضیه، یعنی نقیض آن، نادرست است (مظفر، ۱۳۸۴، ص ۷۳). در قرآن و روایات اسلامی، مکرر از مرگ یاد شده است. ولی به نظر می‌رسد که تدابیر و راه کارهای آموزش مفهوم «مرگ» به کودکان در قرآن و روایات اسلامی، به وضوح بیان نشده است. از این رو، با روش برهان «خلف»، که منتج از روایات اسلامی است، این مطلب را اثبات می‌کنیم که از بسط مفاهیم مربوط به مرگ در کودکان، باید حتی المقدور اجتناب کرد. طبق برهان «خلف»، اگر بگوییم «یاد دادن مفهوم مرگ به کودکان ضروری است»، این گزاره با مصادیق موجود در روایات اسلامی ناسازگار است. یکی از این مصادیق در خطبه ۸۴ نهج البلاغه آمده است: «یاد مرگ مانع سرگرمی‌ها و خوش گذرانی می‌گردد». حضرت می‌فرمایند: «أَمَا وَاللَّهِ، إِنَّهُ لَيَمْتَعُنِي مِنَ اللَّعِبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز یاد حقیقت و شناخت مرگ را مترادف با چشم پوشی از آرزوها تعبیر کرده و فرموده‌اند: «تو اگر مسیر مرگ خود را می‌دیدی مسلماً از هرچه آرزو داشتی چشم پوشی می‌کردی» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۲۱). در روایتی دیگر، امام محمد باقر علیه السلام یاد مرگ را مترادف با قطع علاقه از زندگی دنیوی تعبیر کرده و در این زمینه فرموده‌اند: «أَكْثَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْتَرِ أَنْسَانُ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهْدًا فِي الدُّنْيَا» (مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۷۳، ص ۶۴). به سبب آنکه دوران کودکی، که در مقاله حاضر سن ابتدایی لحاظ شده، دورانی است که فرد نقش‌های اجتماعی را از طریق بازی‌های کودکانه و سرگرمی‌های دسته جمعی می‌گیرد و مفاهیم «همکاری»، «پیروزی»، «شکست»، «همچشمی» و «برتری طلبی» بیشتر در این مرحله از راه بازی‌ها و سرگرمی‌های گروهی استنباط می‌شود (احمدوند، ۱۳۸۱، ص ۱۵). از این رو، یسار مرگ و غور در مباحث مربوط به مرگ، موجبات سرخوردگی کودک از جهان پیرامون و سستی او گردد و مرگ را

منطقی دارند، ولی درک صحیحی از مفاهیم انتزاعی و موقعیت‌های فرضی ندارند. از این رو، به نظر می‌رسد مفهوم «مرگ» در نظر افرادی مانند پیاز، به عنوان مفهومی انتزاعی، با ذهنیت کودکان همخوانی ندارد و از واقعیت‌های ذهنی کودکان دور است. از این رو، یک مربی باید با تدابیر خاص، آنها را با این مفهوم آشنا کند.

سؤال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه راه کارهای آموزشی مفهوم «مرگ» به کودکان براساس آموزه‌های اسلامی کدام است؟

سؤالات فرعی نیز عبارت است از:

۱. «مرگ» در اسلام چه معنا و مفهومی دارد؟

۲. پرداختن به مفهوم «مرگ» در سنین کودکی چه

ضرورتی دارد؟

معناشناسی مرگ

«مرگ» در منطق قرآن، تباهی و صرف خراب شدن و انهدام نیست، بلکه انتقال است. در برخی آیات قرآن، از مرگ به «توفی» تعبیر شده است (نحل: ۲۸؛ زمر: ۴۲؛ انعام: ۶۱؛ اعراف: ۳۷). «توفی» از «وفی» است و نه «فوت»؛ زیرا «فوت» به معنای از دست رفتن است و «توفی» یعنی: استیفا و تحویل گرفتن یک چیز بتمامه (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۵۵۰). در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه، مرگ امری وجودی و متعلق به خلقت و مقتضی آثاری است؛ از جمله: زوال حیات، تعطیل حواس، فساد مزاج و مانند آن (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵). مرگ نزد جمعی از متکلمان به معنای نبود حیات است. «حیات» صفتی است که مقتضی حس و حرکت، و مقابل آن مرگ است. بنابراین، مرگ امری عدمی است، اما نه عدم صرف. نزد عده‌ای دیگر از متکلمان، مرگ امری وجودی، ضد حیات، و فعلی است از سوی خداوند بلندمرتبه؛ یعنی اثری است که از فاعل صادر می‌شود و مقتضی زوال حیات و به دنبال آن، از بین رفتن رشد و نمو و احساس است (نوری طبرسی، ۱۳۳۳، ص ۲۰۱-۲۰۳).

تمام شدن آرزوهای ناتمام خود می‌پندارد.

محدودیت شناخت انسان از مرگ و اینکه مرگ - فی حد ذاته - موضوعی پیچیده است، از ادله قابل قبول برای عدم بسط مفهوم مرگ به کودکان است، مگر کودکی که از لحاظ سطح رشدی فراتر از دیگر کودکان باشد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه ۱۱۲ نهج البلاغه، محدودیت شناخت انسان از مرگ را توصیف کرده‌اند. بی‌شک، این محدودیت بر سنین کودکی بیشتر صدق می‌کند؛ زیرا کودک فاقد تجربه‌های کافی زندگی و بلوغ فکری است. حضرت در این خطبه می‌فرمایند: «آیا هنگامی که فرشته مرگ به خانه‌ای درآمد از آمدن او آگاه می‌شوی؟ آیا هنگامی که یکی را قبض روح می‌کند او را می‌بینی؟ بچه را چگونه در شکم مادر می‌میراند؟ آیا از راه یکی از اندام‌های مادر وارد می‌شود؟ یا روح به اجازه خداوند به سوی او می‌آید؟ یا همراه کودک در شکم مادر به سر می‌برد؟ آن کس که آفریده‌ای چون خود را نتواند وصف کند، چگونه می‌تواند خدای خویش را وصف نماید؟» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳).

شهید مطهری نیز معتقد است: مسئله مرگ و معاد فی حد ذاته - مسئله‌ای است که نمی‌توان آن را به سادگی تبیین نمود. ایشان معتقد است: مصداق یاد دادن و تفهیم این مطلب همانند آن است که برای بچه‌ای که در رحم مادر است و با نظام خاص زندگی رحمی زندگی می‌کند بخواهند از زندگی پس از تولد صحبت کنند.

از این رو، به نظر می‌رسد هرچه سن کودکان کمتر باشد لزوم آموزش مفاهیمی مانند «مرگ» با تکیه بر روش «طفره رفتن» و عدم بسط این مفهوم برای کودکان ضروری‌تر است. در ذیل، به اجمال، به این روش اشاره می‌گردد:

روش «طفره رفتن»

آموزش مفهوم «مرگ» به کودکان، مانند بسیاری از مسائل تربیتی درخور تأمل است؛ زیرا تصورات و دنیای هر کودکی متفاوت از دیگری است. تدابیر متفاوت تربیتی برای کودکان

در حکم نسخه‌های متفاوت پزشک است که باید به فراخور شرایط متفاوت هر فرد در نظر گرفته شود. در حقیقت، ممکن است برای برخی از کودکان تصور مرگ شیرین باشد، اما گروهی دیگر از مرگ تصویری رعب‌انگیز و دهشتناک داشته باشند. بنابراین، تفاوت تصورات کودکان از مرگ به معنای آن است که نمی‌توان راه کارهای قطعی و تدابیر تربیتی یکسانی برای همه آنها ارائه داد. بیان حقایق درباره «مرگ» برای برخی کودکان آنچنان ناخوشایند است که می‌تواند منجر به سرخوردگی از زندگی، میل به خودکشی و خستگی از دنیا گردد و آرمان‌های خود را در جهانی متفاوت از این جهان تصور کنند، و یا به سبب لطافت روحی، برخی کودکان مفهوم «مرگ» را مترادف با نیستی و نابودی در نظر بگیرند و در نتیجه، منجر به ترس‌های افراطی و آسیب‌های روانی در آنها شود.

با وجود این، آغاز سؤالات کودکان از مرگ به هر علت، امری اجتناب‌ناپذیر و بسدی‌هی است و مربی باید بهترین راه کارها و تدابیر آموزشی را لحاظ کند.

در ذیل، به برخی از راه کارهای مقدماتی برای آموزش مفهوم «مرگ» به کودکان اشاره می‌شود:

تشبیه

«تشبیه»، نخستین شیوه‌ای است که طبیعت و سرشت آدمی برای تفهیم منظور خود از آن بهره‌مند می‌شود؛ زیرا استفاده از این ابزار در نهاد همه انسان‌ها قرار داده شده است و آدمی در صورت نیاز، به صورت فطری به آن روی می‌آورد (فاضلی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۰). قدامه بن جعفر در تعریف «تشبیه» چنین آورده است: «تشبیه میان دو چیزی تحقق می‌یابد که در معناهایی که هر دو طرف را دربر می‌گیرد و به آنها موصوف می‌شوند، شرکت دارند و نیز در اموری که در اتصاف به آنها مخصوص یکی از آن دو باشد، متمایزند» (بغدادی، ۱۳۷۴، ص ۱۳).

در روایات و تعالیم اسلامی، از مرگ تشبیهات متفاوتی ارائه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، خروج مؤمن از دنیا (به سبب مرگ) را به «خارج شدن کودک از رحم مادر»

شهید مطهری در تفسیر این آیه، معتقد است: خواب از نظر اصول جسمانی، یک حالت خیلی عادی است و جز قطع یک سلسله روابط چیزی نیست (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۵۵۱). همان گونه که با قطع این سلسله روابط، آگاهی انسان در تعامل با دنیای جدید، از طریق رؤیا و خواب دیدن ادامه می یابد، مرگ نیز مصداق همین مطلب است و آگاهی انسان علی رغم نبود فعالیت های جسمانی، ادامه می یابد (پارکر، ۱۹۷۴).

به نظر می رسد برای آشنایی کودکان با مفهوم «مرگ»، در دوره ابتدایی تشبیه خواب به مرگ روشی مناسب است؛ زیرا خواب و خواب دیدن برای کودکان امری ملموس است و مربی می تواند از طریق خواب دیدن، کودکان را با این مفهوم آشنا کند؛ به این طریق که به کودکان بفهماند خواب یک حالت عادی برای رفع خستگی، سلامت و ادامه حیات انسان است و بدون آن، نظام بدن فاقد عملکرد صحیح است؛ همان گونه که در جهان هستی، هیچ انسانی وجود ندارد که به خواب نرود. بنابراین، مرگ نیز حالتی ضروری برای ادامه حیات جاودانی است که برای رهایی از خستگی ها و رسیدن به سلامتی کامل، از جانب خداوند بر هر انسانی عارض می شود.

تبیین مفهوم «مرگ» با استدلال بر چرخه طبیعت

سنت عجیب حیات و ممات از موضوعاتی است که همواره در طبیعت جاری است. در قرآن کریم، سنت زنده کردن و میراندن به عنوان یک آیت عظیم الهی بیان شده است. در قسمی از آیات، این سنت جاری به ذات مقدس احدیت نسبت داده شده است. در بعضی از آیات، این موضوع به عنوان نمونه تبدیل نشئه ای به نشئه دیگر ذکر گردیده است. این مطلب در آیات متعددی آمده است. آیات ۹ سوره «فاطر»، ۵۰ سوره «حج»، ۹ و ۱۱ سوره «ق» و بسیاری از آیات دیگر مبین سنت جاری احیا و امات و میراندن و بردن و آوردن است که معمولاً با چشم می بینیم، ولی به سبب عادت، از دقت در این امور و در نظر گرفتن آن به عنوان جلوه ای از جلوات ملکوت الهی غافل هستیم. نمونه این موضوع را

تشبیه کرده اند، و در تعبیری دیگر، مرگ را به «خواب» تشبیه کرده اند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۲۳۸).

تشبیه دریچه ای به سمت آموزش صحیح مفهوم «مرگ» به کودکان است. مربی می تواند با مصادیق و تشبیهات ملموس، پا به دنیای ذهنی کودکان بگذارد. او می تواند دنیای جنینی و ناآگاهی جنین از دنیای وسیع تر را با فیلم به کودکان نشان دهد و به کودکان تفهیم کند که زندگی در دنیا، همانند زندگی جنین در شکم است. مرگ آدمی هم به منزله ولادت دوم است. دوران زندگی جنین در رحم مادر، موقت و زندگی انسان نیز در دنیا موقت است. جنین با تولد از مادر، محیط محدود رحم را ترک می کند و به محیط وسیع دنیا قدم می گذارد. جفتش را که در شکم مادر با او همراه بود از وی جدا می کنند و به خاک می سپارند و او خودش به زندگی ادامه می دهد. او در حقیقت، با تولد، از غم و تاریکی شکم مادر خارج می شود. بنابراین، انسان نیز با مردن، از تنگنای شکم دنیا بیرون می رود. بدنش را، که به منزله جفت اوست، به قبر می سپارند. در آنجا بدن متلاشی می گردد و روحش به عالم وسیع تر و عالی تری انتقال می یابد.

تشبیهات دیگری نیز در این زمینه در روایات و قرآن آمده است، آنجا که پیامبر ﷺ می فرمایند: «النوم اخ الموت» (سلیمان، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۴۷)؛ خواب برادر مرگ است. همچنین، در آیه ۴۲ سوره «زمر» نیز خواب در ردیف مرگ به حساب آمده است: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ خداوند است که جانها را به هنگام مرگشان به طور کامل می گیرد، و (جان) آن را که نمرده است در هنگام خواب (می گیرد). پس آن را که مرگ بر او قطعی شده است، نگاه می دارد، و جانهای دیگر را (که مرگش فرانسیده) برای مدتی معین (به جسم آنان) باز می گرداند. بی شک، در این (گرفتن و دادن روح هنگام خواب و بیداری)، برای گروهی که فکر می کنند نشانه هایی بزرگ (از قدرت خدا) وجود دارد.

ضدیت در عین زیبایی در هر دوی آنها در زمینه حیات چرخش هستی در نظام خلقت است.

شهید مطهری در جلد ۲۸ مجموعه آثار، به حدیثی اشاره کرده است که مولوی آن را از زبان حضرت موسی علیه السلام به شعر درآورده است. در این حدیث، حضرت موسی به خدا خطاب می‌کند: خدایا، چرا انسان‌ها را خلق می‌کنی و بعد می‌میرانی؟ خدا به او جواب می‌دهد: ما به تو دستوری می‌دهیم. این دستور را عمل کن تا بعد جوابش را به تو بدهیم. ای موسی، برو و کار کشاورزی انجام بده؛ مثلاً، مقداری گندم بکار. موسی علیه السلام رفت. ندا رسید: موسی، چرا گندم را کاشتی، بعد درو کردی؟ گفت: خدایا، اینها را کاشتم، بعد که رشد کردند، باید درو کنم. جواب رسید: راز مرگ هم همین است.

این حدیث بازگوکننده راه‌کارها و تدابیر فراوانی برای تبیین مفهوم «مرگ» است. در حقیقت، حضرت موسی علیه السلام پاسخ خود را از طریق عمل خویش و با مشاهده و استدلال موجود در طبیعت یافت. بنابراین، سوالات کودکان نیز باید از طریق فعالیت‌های خودشان پاسخ داده شود. مشاهده کاشت، داشت و برداشت گیاهان همانند راز حیات و مرگ انسان است. تبیین این مفهوم به کودکان، که حیات بدون مرگ همانند کاشت محصول بدون برداشت است، مقدمه آشنایی کودکان با مفهوم «مرگ» است.

قصه‌گویی

قصه و قصه‌گویی به شکل‌های گوناگون، نه بار در قرآن آمده و خدای متعال در چندین جا، با قصه‌های زیبا، هدایت و تربیت انسان‌ها را منظور داشته است. *راغب اصفهانی در المفردات* آورده است: کلمه «قص» به معنای دنباله جای پا را گرفتن و رفتن است و جمله «قصت اثره» به معنای «رد پای او را دنبال کردم» است. این کلمه به معنای خود اثر هم هست و خود «قصص» به معنای اخبار تتبع نیز آمده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱). توجه به حقیقت و مفهوم مرگ در احادیث و داستان‌های قرآنی به شیوه‌های گوناگون بیان شده است. برخی از

می‌توان با توجه به آیه ۵۰ سوره «روم» تبیین نمود که خداوند فرموده است: ﴿فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ پس آثار رحمت الهی را مشاهده کن که چگونه زمین را پس از مرگ زنده می‌گرداند! محققاً همان خداست که مردگان را هم باز زنده می‌کند و او بر همه امور عالم تواناست. آیات مشابه دیگری نیز از نشئه‌های مرگ و حیات با اسباب گوناگون و علت واحد خبر می‌دهد؛ چنان‌که در آیه ۹ سوره «فاطر» آمده است: *بادها سبب پیوند و تشکیل ابر می‌گردد و آن‌گاه از تراکم ابرها، دانه‌های باران تشکیل می‌گردد و این باران سبب حیات دوباره زمین می‌شود؛* ﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاہُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِہَا كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۰۷).

بنابراین، یکی از برترین راه‌کارهای تربیتی برای آشنایی کودکان با مفهوم «مرگ»، تبیین مسئله زندگی پس از مرگ در جهان نباتات و جمادات است. به عبارت دیگر، با تکیه بر طبیعت، به آنها نشان می‌دهیم همان‌گونه که زمین و گیاهان در فصل پاییز و زمستان می‌میرند و سپس در بهار زنده می‌گردند، ما انسان‌ها نیز از همین قاعده تبعیت می‌کنیم و لازمه آن واداشتن کودکان به تفکر نظام‌مند، تحقیق و کاوش در پدیده‌های طبیعی و هدایت کودکان در زمینه به‌کارگیری صحیح حواسشان است.

نشان دادن فیلم، تصاویر، ماکت، مولاژ، نقاشی و مانند آن، به گونه‌ای که مضمون آنها از توالی امر مرگ و حیات در چرخه هستی حکایت کند، می‌تواند یکی دیگر از تدابیر در نظر گرفته شده برای آغاز بحث درباره مفهوم «مرگ» برای کودکان باشد. این مضامین می‌تواند شامل همه پدیده‌ها و رویدادهای قابل مشاهده در طبیعت باشد؛ از جمله: تغییر فصول، چگونگی چرخه حیات در زمین با بارش باران و زنده شدن زمین مرده، و بردن کودکان به محیط‌های طبیعی، به‌ویژه در فصول پاییز و بهار و پرسش از آنها در جهت رساندن کودکان به این مطلب که هر دو فصل دچار تحول و تغییرند و

جسمانی و تبیین مفهوم «مرگ» و حیات دوباره انسان بیان شده است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۳۴). در این آیه، خداوند قدرت لایزال خود را از طریق میراندن و زنده کردن چهار پرنده به حضرت ابراهیم علیه السلام نشان داده است. این آیه برخلاف آیه قبل، مفهوم «مرگ» و «حیات» انسان را با تکیه بر مفاهیم غیرانسانی، یعنی پرندگان بیان کرده است. در این آیه، خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾؛ و چون ابراهیم گفت: بار پروردگارا، به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خدا فرمود: باور نداری؟ گفت: آری، باور دارم، لیکن خواهم (به مشاهده آن) دلم آرام گیرد. خدا فرمود: چهار مرغ بگیر و گوشت آنها را نزد خود، به هم درآمیز. آن‌گاه هر قسمتی را بر سر کوهی بگذار، سپس آن مرغان را بخوان، که به سوی تو شتابان پرواز کنند؛ و بدان که خدا (بر همه چیز) توانا و داناست.

علاوه بر داستان‌های قرآنی، بازگویی احادیث برای کودکان نیز درخور توجه است. از آنجا که قصه‌های قرآنی مضامین پیچیده و انتزاعی را در قالب داستان‌های زیبا و ساده بیان کرده، خواندن و ترغیب کودکان به قصه‌های قرآنی مانند قصه حضرت عزیر و ابراهیم، که در آنها مفهوم «مرگ» به شیوه‌ای زیبا با نتایج لذت‌بخش و همخوان با روح لطیف کودکان بیان شده، از راه کارهای ارزنده برای آشنایی آغازین کودک با مفهوم مرگ است. در داستان حضرت ابراهیم، پرندگان در نهایت، زنده می‌شوند، و بی‌شک، زنده شدن پرندگان موجب مطلوبیت و خشنودی کودک است. از سوی دیگر، مهم‌ترین مبحث مرگ برای کودک این است که مرگ پایان زندگی نیست، بلکه زنده شدن و حیات دوباره است؛ همان‌گونه که با قدرت خدا، حضرت عزیر و پرندگان دوباره زنده می‌شدند، با مرگ، انسان در جهانی دیگر زنده می‌گردد.

داستان‌های قرآنی درباره مرگ از لطافت طبع بیشتری برخوردار است و حاصل برخی دیگر تشویش همراه با تأمل است.

از جمله داستان‌های لطیف قرآنی، آیات ۲۵۹ و ۲۶۰ سوره «بقره» است. این دو آیه هم‌سیاق یکدیگرند و از پیوستگی معنایی و زیبایی خاصی بهره‌مند هستند. مضمون هر دو آیه بیانگر قدرت خارق‌العاده خداوند در زمینه مرگ و حیات دوباره انسان است. آیه ۲۵۹ این مطلب را با داستان حضرت عزیر بیان کرده است که از کیفیت زنده شدن مردگان می‌پرسد و خداوند متعال او را به مدت یک‌صد سال میراند، سپس زنده کرد و کیفیت زنده کردن درازگوش او را هم به وی نشان داد. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِئَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نَنشُرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره: ۲۵۹)؛ (و) یا (دیده‌ای) همان کسی را که بر روستایی (مخروبه) گذر کرد، درحالی که (خانه‌های آن روستا) بر سقف‌ها فروریخته بود؛ گفت: چگونه الله این (مردم مرده اینجا) را پس از مرگ آنان زنده می‌کند؟ پس الله او را صد سال میراند و سپس زنده‌اش گرداند و (به او) گفت: چه مدت درنگ کرده‌ای؟ او گفت: (نمی‌دانم، شاید) روزی یا قسمتی از یک روز. (الله به او) فرمود: (نه) بلکه صد سال درنگ کرده‌ای. به خوردنی و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (با این مدت طولانی) تغییر نیافته است. و بنگر به الاغ خود (که چگونه از هم متلاشی شده است. ما چنین کردیم) تا تو را نشانه (گویایی از رستاخیز) برای مردمان قرار دهیم. (اکنون) به استخوان‌های (الاغ خویش) بنگر که چگونه آنها را برمی‌داریم و به هم پیوند می‌دهیم و سپس بر آنها گوشت می‌پوشانیم. هنگامی که (این حقایق) برای او آشکار شد، گفت: می‌دانم که الله بر هر چیزی کاملاً تواناست. آیه ۲۶۰ سوره بقره، مانند آیه ۲۵۹ برای اثبات معاد

نتیجه‌گیری

- تا حد امکان، غور در مباحثی مانند مرگ برای کودکان ضروری نیست.
- شناساندن مفهوم «مرگ» به کودکان موجب دل‌سردی و ناامیدی آنها از دنیای کودکانه و سرگرمی‌های لذت‌بخش می‌شود.
- در تبیین مفهوم «مرگ»، باید خصوصیات روحی کودک در نظر گرفته شود و به فراخور ترس او از موضوع مرگ و یا شوق برای رسیدن به عزیزان از دست رفته، راهکار صحیح ارائه گردد.
- آغاز آموزش کودکان با مفهوم «مرگ» باید با کمک قصه‌های آموزنده در احادیث و داستان‌های قرآنی، واداشتن آنها به تدبیر و مشاهده چرخه حیات و ممات در زندگی نباتات و جمادات و تشبیهات ملموس مانند (خواب هر روز و زندگی جنینی) باشد.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ترجمه محمد دشتی، ج سوم، قم، بوستان کتاب.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۲، *تحف العقول*، ترجمه صادق حسن زاده، قم، صالحان.
- احمدوند، محمد علی، ۱۳۸۱، *روان‌شناسی بازی*، تهران، دانشگاه پیام نور.
- بغدادی، ابن‌ناقی، ۱۳۷۴، *الجمان فی تشبیهات القرآن*، ترجمه علی میرلوحی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- سلیمان، هاشم، ۱۳۷۴، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثة.
- صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، ج دوم، قم، مکتبه المصطفوی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- فاضلی، محمد، ۱۳۶۵، *دراسه و نقد فی مسائل بلاغیة همامه*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۸۴، *پژوهشی در مفهوم مرگ در ذهن کودک آثار روانی، نظریه‌های روان‌شناختی، و راهبردها*، ج دوم، تهران، قدیانی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۲، *بحارالانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۴، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ج ۲۸.
- ، ۱۳۸۹، *مجموعه آثار*، ج دوازدهم، تهران، صدرا، ج ۴.
- ، ۱۳۹۰، *مجموعه آثار*، ج نوزدهم، تهران، صدرا، ج ۲.
- ، ۱۳۹۰، *مجموعه آثار*، ج نوزدهم، تهران، صدرا، ج ۳.
- مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۴، *منطق*، ترجمه علی‌اکبر شیروانی، قم، دارالعلم.
- نشاری، غزاله، ۱۳۸۹، *آموزش مفهوم مرگ به کودکان براساس آموزه‌های اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه الزهراء (ع).
- نوری طبرسی، اسماعیل بن احمد، ۱۳۳۳، *کفایة الموحدين*، تهران، علمیه اسلامی.

Orbach, Israel, 1979, *The Concept of Death and Suicidal Behavior in Young Children*, American Academy of Child Psychiatry.

Purucker, By G. de, 1974, *Sleep and Death are Brothers*, Theosophical University Press.